

یکشنبه ۲۰ اسفند ۱۳۹۹
۹ و ۱۴۴۲
۲۱ فوریه ۲۰۲۱
شماره ۲۰۲۱
ZENTRIGI@OUTSOONLINE.IR

برکات را بر مرمر بنویس

رقیه توسلی: یک تشکرنامه کوچولو ترتیب داده برایم. خودش که اینطور می گوید.

گیج و خوشحال، برکه را از دستش می گیرم. می دانم «ملاحت خانوم» اهل مهربانی و غافلگیر کردن است.

یک پاراگراف بیشتر ننوشته: «ممنون که نمایش نامه خواندی، ماش پلو پختی، به سگ ولگرد غذا دادی، زیرلب زمزمه کردی «یا مجیب»، فقط خندیدی به جیرجیر ناتمام در کمد همسایه بالایی، مراقب مسافر توی صف بودی نرود زیر ماشین. ممنون که عکس های کویر مرنجاب را که دیدی، به خودت قول دادی بعد کرونا یک سفر بروی اصفهان، رندی و بدجنسی همکارت را گذاشتی پای سرشلوغی اش. ممنون که گلدان مُرده را پرت نکردی گوشه انباری، که خاله زنگ بازی در مرامت نیست و کارشناس نوبت های زندگی خصوصی رفیقت نشدی. ممنون که سوختگی دست چپت را فرستادی زیر بلوز آستین دار که دل نسوزانی. ممنون که جواب پیامک آدم بددهن را ندادی و توی شیپور جنگ نزدی».

نامه تمام می شود. من اما تازه جوانه می زنم و شروع می شوم. از محبتش کیف می کنم. از یک پاراگراف که می شود قد هزار پاراگراف، انرژی مثبت گرفت از آن. از اینکه پادم داده اول زیبایی آدمها را ببینم. نگاهش می کنم. آرام و با شیطنت می گوید: «ترجیح دادم کاغذ غلطها و اشتباهات را یک روز دیگر بیاورم. گفتم حالا یک کمی خوش باشیم».

بغلمش می کنم. به گمانم توی این روزهای دیوانه کرونایی، همه ملاحت خانومها باید این کار را بکنند. به دادمان برسند و دوپینگ زندگیمان شوند. بی اختیار یاد حرف های روان شناسی می افتم که دیروز توی لایوش می گفت: نگویید زشت است، بگویید قشنگ نیست... نگویید خسته نیاشید، بگویید شاد و پر انرژی باشید... نگویید دشوار است، بگویید آسان نیست... می گفت خوب سخن گفتن، قلبها را تسخیر می کند. می گفت مهربانی همیشه برنده است.

«رنج هایم را روی غبار و برکات را بر مرمر بنویس».

عطر روغن کرمانشاهی که به ماش پلو می دمم یک طرف، بوی خوش نصیحت «بنجامین فرانکلین» یک طرف!

برخورد ناشایست در سی و نهمین جشنواره صدای مستندسازان را در آورد

یتیمی «مستند» در فیلم فجر



صمد مرفاوی در گفت و گو با قدسی

از روز اول در فکر جانشین فکری بودند!

عکس: رضا سعیدی پور - باشگاه استقلال

ورزش

تیم منتخب نیم فصل نخست لیگ برتر

۴ پرسپولیسی در جمع برترین ها

یادداشتی از امیر حاج رضایی درباره شخصیت تیمی پرسپولیس

ذهن برنده سرخها



سرمخوردگی بهانه است

متممی که قایدی را خانه نشین کرد

مجاز آباد

از جانمان مایه گذاشتیم

در فضایی که برخی ها فکر می کردند با صحبت ها و اشاره بایدن، ممکن است ایران فوری به برجام برگردد، کاربران فضای مجازی روز گذشته نوشتند: «دو دقیقه هم نمی توان به آمریکا اعتماد کرد. حتی اگر مثلاً ۶ ماه تحریمها را رفع کند و به برجام برگردد... آمریکای محترم! هشت ماه از جومنون مایه گذاشتیم و نذاشتیم حرف رهبرمون زمین بمونه. الان هم حرف رهبر لغو همه تحریمهاست و ذره ای کوتاه نخواهیم آمد... حرف فایده نداره، این دفعه فقط عمل...».



کی به کیه! به ما هم واکسن بدید

واکسن کرونا، نبودن و نداشتنش یک جور حاشیه ساز بود و حالا که مشخص شده هم واکسن وارد کرده ایم و هم واکسن می سازیم، جور دیگر! علی رجبی در واکنش به درخواست داروخانه زاده برای واکسیناسیون هنرمندان در توییته نوشت: چرا سازمان نظام پزشکی پیشنهاد تزریق واکسن برای خبرنگاران را نمی دهد؟ کی به کیه! ما امکان رعایت دقیق پروتکل های بهداشتی را در برنامه های خبری نداریم... کل خبرنگاران فعال هم شاید ۵ هزار نفر بیشتر نباشند.



۲۰۵ هزار تومان

کانال تلگرامی هاون مدیا نوشت: خانواده های آمریکایی بویژه در مناطق درگیر برف و سرما، با یک بحران جدید مواجه شدند... قبضه های برق نجومی که مصرف یک روزشون رو ۵۷۳ دلار نشان میده... درآمد برخی آمریکاییها کمتر از ۴ هزار دلار در ماهه. قابل توجه کسانی که فقط درآمدهای غربیها رو با درآمدهای مردم ایران تحت تحریم مقایسه می کنند و هشتک زندگی نرمال می زنند، قیمت هر کیلووات برق در ایران: حدود ۵۲ تومان... قیمت هر کیلووات برق در تگزاس آمریکا: حدود ۲۰۵ هزار تومان.



می توانید از گرسنگی بمیرید

پرتلند، بزرگترین شهر ایالت اورگن در آمریکا است. در واقع هم مرکز تجارت و صنعت این ایالت است و هم خیلی معروف. با این حال مشکلات خودش را هم دارد. یک کاربر فضای مجازی عکسی از این شهر را در توییتر منتشر کرده و نوشته: ملت رفتند مواد غذایی که یک فروشگاه زنجیره ای در شهر پرتلند دور ریخته رو بردارند و پلیس اعزام شده که از سطل آشغالها محافظت کنه! شمار جدید ایالت رو باید بگذارند: می تونید از گرسنگی بمیرید ولی نه از مسمومیت غذایی!



بررسی تفاوت برجسته سازی رسانه های ایران و غرب از بلایای طبیعی

زلزله تلخ «سی سخت»، یخبندان شیرین «تگزاس»!



قدرت رسانه
این رفتار دوگانه رسانه های مورد انتقاد کاربران فضای مجازی هم قرار گرفته است. کاربران در این راستا هشتک #تگزاس را در توییتر داغ کرده اند. در ادامه چند نمونه از توییتهای کاربران فضای مجازی در این باره را می خوانید:
-همین الان میلیونها نفر در آمریکا داخل خونه هاشون حبس شدن، برقشون قطع شده، آب لوله کشی ندارند و برای تأمین سوخت و غذا با مشکل مواجهن اما شما هیچ خبری نمی شنوید!
-اونایی که دارن سی سخت رو می زنن تو سرمون بدونن که در تگزاس که از نظر خودشون در بهترین و والاترین و کارآمدترین کشور دنیا قرار داره، مسئولانش حتی نمی تونن به مردمشون یک بطری آب معدنی برسونن.
-جالبه بدوین بیمارستان های تگزاس به دلیل نبود آب و گرما بیمارها رو مرخص کرده، تصور کنین این اتفاق اینجا میفتاد!

این آمریکایی های لاک پشت دوست!
موردی که در بالا خواندید بخش کوچکی از مشکلاتی است که سرما و یخبندان برای مردم آمریکا به وجود آورده است. نه اینکه از ایجاد چنین مشکلاتی برای مردم آمریکا ذوق زده باشیم اما جالب است بدانید که هیچ کدام از این موارد بالا جایی در اخبار مهم و تصاویری که رسانه های معروف غربی ارائه می دهند ندارد.
در عوض اما اخبار مرتبط با اقدامات خیرخواهانه آمریکاییها در کمک به بکدیگر، ترند فضای مجازی شده است. مثلاً یکی از سوزه های داغ چند روز اخیر، جمع آوری لاک پشت های در خطر انقراض توسط مردم و انتقالشان به محیطی گرم بود. هشتک های مرتبط با این ماجرا در مدت کوتاهی ترند فضای مجازی شدند. خلاصه اش آنکه از دل طوفان و یخبندان در آمریکا، تا دلتان بخواد تصاویر دوست داشتنی و خیرهای امیدوارکننده در فضای مجازی منتشر شده است.

محمد تربت زاده | تصویری که از برف و یخبندان در آمریکا در ذهن خیلی هایمان نقش بسته، به قدری دوست داشتنی است که احتمالاً توی دلمان به حال ساکنان ایالات متحده غیبه هم خورده ایم. فضای مجازی و رسانه ها پر است از تصاویر شیک و اتوکشیده از بارش بی سابقه برف. در پشت پرده این تصاویر اما دمای منفی ۱۸ درجه، قطعی برق، گاز و کمبود آب وجود دارد و مردمی که روزهای سختی را می گذرانند. این پشت پرده تلخ اما لایه لایه خبرهای مربوط به فرود کاشوگر ناسا بر سطح مریخ و البته تصاویر بزرگ شده از موج سرمای بی سابقه در آمریکا گم شد.

هیزم به آتش مشکلات ریختن
از طرف دیگر هموطنان خودمان در کهگیلویه و بویراحمد هم به دلیل خسارات شدیدی که زلزله به منازلشان وارد کرده، روزهای سختی را پشت سر می گذارند. سرمای هوا از یک طرف و تخریب منازلشان از طرف دیگر، آنها را با مشکلات بی شماری رو به رو کرده است.
در مورد زلزله سی سخت هم تا دلتان بخواد مطلب منتشر شده و علاوه بر رسانه های غربی رسانه های خودمان هم تصاویر دردناکی از این واقعه منتشر کرده اند. گذشته از کم کاری احتمالی نهادهای متولی، عدم رسیدگی احتمالی مسئولان و خلاصه تمام مشکلات احتمالی دیگر، سؤال اینجاست که چرا رسانه ها اقدامات خیرخواهانه ای که توسط خود مردم صورت گرفته را نمی بینند و از کاربران فضای مجازی گرفته تا رسانه ها، همه شروع به هیزم ریختن در آتش مشکلات مردم زلزله زده کرده اند؟

بیش از ۶۰ قربانی
در حال حاضر مردم در ایالت تگزاس که کانون اصلی یخبندان و سرماست با کمبود شدید آب آشامیدنی و غذا روبرو هستند. کار حتی به جایی رسیده که دولت آمریکا در این ایالت وضع فوق العاده اعلام کرده است.
آنطور که شبکه خبری بی بی سی می گوید، تا الان حدود ۶۰ نفر در اثر سرمای شدید جان باخته اند. همچنین از روز جمعه برق حدود ۱۸۰ هزار خانواده در تگزاس قطع شده است. مشکل اساسی تر، قطعی آب است. برپایه گزارش رسانه های محلی تگزاس، حدود ۱۳ میلیون نفر به دلیل یخزدگی و تریکدگی لوله ها، آب ندارند.
علاوه بر این، توربین های بادی هم یخ زده اند که در نتیجه آن بسیاری از پالایشگاه های مهم این ایالت تعطیل شده اند. مردم این ایالت هم برای دریافت کپسول گاز، در مقابل مراکز توزیع گاز صف کشیده اند.
در کنار همه این مشکلات، «تد کروز» سناتور ایالت تگزاس هم خانواده اش را برداشته و از ایالت خارج شده است! البته پس از بالا گرفتن هجمه ها، آقای سناتور پس از مدت کوتاهی با اکره به ایالت تگزاس برگشت ولی همچنان حاضر نشد خانواده اش را مانند مردم عادی به این منطقه بازگرداند.

سواد رسانه

مسموم کردن چاه



مخالطه... این اصطلاح را شاید تاکنون خیلی شنیده باشید. از قدیم هم در مباحث مختلف، رد پای این کلمه دیده می شود. در واقع مخالطه یک ترند است. ترندی برای اینکه یک نظر یا ادعا را بدون ارائه هیچ دلیل منطقی به دیگران تحمیل و آن ها را وادار به پذیرفتن آن ادعا کرد. امروزه خیلی از رسانه ها هم ممکن است از این ترند برای قالب کردن دروغ و شایعه به شما استفاده کنند. اگر می خواهید بدانید آن ها چطور از این ترند استفاده می کنند، بخشی از مطلب مجله اینترنتی «فارس پلاس» در این باره را بخوانید.
این نوع از مخالطه روش های کاربردی مختلفی دارد اما شیوه اصلی و غالب آن، استفاده از عواطف و احساسات مخاطب است. در حقیقت مخالطه گر با مخاطبش به توافق می رسد که در طول گفت و گو از او دلیل منطقی نخواهد! نکته قابل توجه این نوع مخالطه، «ناخودآگاه بودن» آن است. یعنی مخاطب، اغلب خودش متوجه توافقی با مخالطه گر نیست، چراکه مخالطه گر او را تحت تأثیر احساسات خود قرار داده است. این یعنی بستن مسیر درست فهمیدن... به این دو جمله دقت کنید: ۱- در این دنیای مدرن که هر کس سعی در پیشرفت دارد، تنها متحجران و سنت خواه های فسیل مغز هستند که با ورود زنان به ورزشگاه مخالفت می کنند. ۲- فقط یک آدم جلف و لالابالی، عزاداری در محرم را بی فایده می داند. احتمالاً متوجه شده اید که در این دو جمله، نویسنده با استفاده از یک ویژگی ناپسند، راه را برای مخالفت می بندد. شما در برخورد با گوینده چنین جملاتی احتمالاً نظر خود را اعلام نخواهید کرد، چون از اینکه برجسب فسیل مغز یا جلف و لالابالی به شما بزنند، نگرانید؛ به این مخالطه ها روش «مسموم کردن» چاه می گویند. یعنی چاه استدلال و نظر دادن را مسموم می کنند تا کسی هوس نوشیدن از آن نکند... روش دیگری هم برای مخالطه وجود دارد. برخی رسانه ها و اشخاص سعی دارند با الفاظ و عبارتی چون هر بچه ای می فهمد، هر بچه مدرسه ای می داند، واضح و مبرهن است... ادعای خود را به گونه ای القا کنند که چنین مطلبی آن قدر آشکار و واضح است که نیازی به ارائه دلایل منطقی نیست. مثلاً برخی رسانه های آن طرف آبی می گویند: «شاهزاده رضا پهلوی تأکید کرد بدیهی است که مسئولیت بر اتفاق ناگواری برای زندانیان سیاسی با جمهوری اسلامی و رهبران آن است». یعنی حتی اگر زندانیان در زندان یکدیگر را بکشند هم مسئولیتش پای رهبران ایران است! یکی از پرکاربردترین نوع مخالطه در جهت عملیات های جنگ روانی، امیدوار بودن به جهل و نادانی دیگران است! همان که گاهی به عنوان حملات رسانه ای از آن یاد می شود و معمولاً مقاومتی هم در برابرش شکل نمی گیرد! برای درک بهتر این روش به این مثال توجه کنید: «موجودات فضایی وجود دارند، چراکه هنوز کسی نتوانسته وجود موجودات فضایی را رد کند!» این عبارت به شما می بویاند چون دلیلی بر ضد یک ادعا ندارید پس باید بدون هیچ دلیلی آن را قبول کنید. خلاصه اینکه برای به دام مخالطه نیفتادن، نیازمند تمرین هستید. باید مطالب اصلی هر مخالطه را خوب بفهمید و آن ها را در مواقع مختلف تطبیق دهید. در صحت گفته های دوستانان دقیق شوید و برای هر حرفی دلیل بخواهید. البته یادآوری نکنید! چراکه خیلی از افراد تحمل زیر سؤال رفتن نظرشان را ندارند!

گزارش

واکنش‌های چند چهره به حاشیه‌های «واکسن برای هنرمندان»

اولویت با کادر درمان و سالمندان است



جنجال‌هایش همچنان ادامه

دارد. مدتی از جنجال درخواست دو هنرمند در خصوص خرید واکسن گذشته بود که انتشار ویدئویی از شهاب حسینی حاشیه‌های جدیدی به راه انداخت. کسی هنوز این خبر را تأیید یا تکذیب نکرده بود که انتشار نامه سازمان نظام پزشکی به وزارت بهداشت که در آن خواسته شده بود با توجه به فعالیت هنرمندان در عرصه فیلم‌سازی و سریال‌سازی برای سرگرم کردن مردم، سهمیه‌ای ویژه برای واکسیناسیون اهالی سینما و تلویزیون تأمین شود، واکنش‌های مختلفی در فضای مجازی و رسانه‌ها به دنبال داشت.

برخی از این واکنش‌ها این حرکت سازمانی را نوعی تبلیغات سیاسی برای انتخابات دانستند. عده‌ای هم عنوان کردند که مشاغلی مانند رانندگان وسایل نقلیه و خدمات‌عمومی بیشتر از هنرمندان در معرض ابتلا هستند و اگر قرار باشد اولویتی در نظر گرفته شود باید به این مشاغل توجه کرد. گروهی این درخواست را به خود هنرمندان نسبت داده و عنوان کردند سلبریتی‌هایی که مدام خودشان را در کنار مردم نشان می‌دهند و بیان می‌کنند که در مردم دارند این بار تنها به منافع خودشان فکر کرده و نمی‌خواهند در کنار مردم بایستند و توقع دارند متفاوت از عامه مردم با آن‌ها رفتار شود. در پی این واکنش‌ها برخی هنرمندان به این نامه واکنش نشان دادند که می توان از آن میان به پدram شریفی و فلور نظری اشاره کرد. همچنین حسین پاکدل در یادداشتی اینستاگرامی عنوان کرد: «خیلی ساده است:

شفافیت اقدامات برای مردم از اول تا آخر

فراهم کردن واکسن استاندارد و معتبر آغاز سریع واکسیناسیون رایگان و همگانی توزیع عادلانه طبق پروتکل بهداشت جهانی

اولویت با کادر درمانی، سالمندان و گروه‌های اجتماعی آسیب‌پذیر.»

همچنان‌که رئیس انجمن کارفرمای تهیه‌کنندگان (اکت) اعلام کرد که اعضای این تشکل صنفی سینما، هیچ گونه مطالبه خارج از نوبتی برای دریافت واکسن کرونا ندارند. فرشته طائرپور در بیانیه‌ای تأکید کرده است: «با سپاس از مواضع حامیانه نویسنده نامه نسبت به فیلمسازان فعال کشور و توضیح نقش مؤثر آنان در مدیریت روانی جامعه در ایام شیوع کرونا، نظر به اینکه طبقه‌بندی منصفانه و مسئولانه انجام‌شده برای تعیین اولویت دریافت واکسن، دارای توجیه و استدلال کافی و کارشناسی شده است، بدین وسیله اعلام می‌دارم که تهیه‌کنندگان عضو این صنف، هیچ گونه مطالبه‌ای جهت قرار گرفتن در شمار استثنائات و خارج از نوبت نداشته و بی‌شک جامعه درمانگر کشور، سالمندان واقشار در خطر را نسبت به خود در اولویت بیشتری می‌دانند. با امید به رفع بلا و ابتلا از همه آحاد سرزمینمان و مهیا بودن شرایط سالم‌برای فعالیت همه سینماگران».

همان طور که این هنرمندان بیان کرده‌اند، در شرایط کنونی این مدل خاصه خرجی‌ها تنها بر افکار عمومی تأثیر منفی گذاشته و هنرمندان را بیش از پیش از مردم که حامیان اصلی آن‌ها و ضامن بقای هنری آن‌ها هستند دور می‌کند. درست است که گروه‌های هنری به خصوص هنرمندان در صدا و سینما در یک سال گذشته به خاطر مردم فعالیتشان را ادامه داده‌اند تا شادی و سرگرمی را به خانه مردم بیاورند، اما همان گونه که متخصصان می‌گویند واکسیناسیون باید براساس اولویت‌هایی مانند مشاغل پرخطر و همین‌طور قشرهایی که شرایط ویژه مانند بیماری خاصی یا کپولت سن دارند، انجام شود. در عمل هم حتماً این اتفاق صورت خواهد گرفت و این گونه برخورد‌ها و واکنش‌های بعدی آن در فضای مجازی تنها سبب تنش در افکار عمومی می‌شود.

خبر

زندگی کودک شهید عربستانی انیمیشن شد

«زکریا» به «الکوتر» می آید



سمنه مروتی، مدیر گروه کودک

و نوجوان شبکه الکوتر در گفت‌وگو با خبرنگار رادیو و تلویزیون خبرگزاری فارس گفت: پیش‌تولید فصل دوم انیمیشن «زکریا جابر» محصول گروه کودک شبکه الکوتر کلید خورد. فصل نخست این انیمیشن با هدف ترویج روحیه و فرهنگ ایثار و شهادت و نیز حمایت از مقاومت و مظلومان با تکنیک کات‌اوت دوبعدی در ۱۰۰ قسمت برای مخاطبان کودک و نوجوان ساخته شد. وی افزود: با رضا فصاحت، تهیه‌کننده و کارگردان فصل اول انیمیشن دوباره به توافق رسیدیم و هم اکنون فصل دوم این انیمیشن پرطرفدار با تکنیک کات‌اوت دیجیتال و در ۱۰۰ قسمت هفت دقیقه‌ای در مرحله پیش‌تولید قرار دارد. وی اظهار کرد: «زکریا جابر» کودک ۶ساله عربستانی است که مظلومانه به دست عمال آل سعود به شهادت رسیده است. او در زندگی و دنیای کودکانه خود با مشکلات ریز و درشتی روبه‌رو است که هر دفعه با اندیشیدن تاابیری، بر دشمنان خود که نماد وهابیت و سلفی‌گری هستند پیروز می‌شود. وی در پایان گفت: شخصیت‌پردازی‌های انیمیشن «زکریا» برای قوم انجام شده است. گروه در انتظار ریل‌گذاری و اولین برداشت برای تأیید شبکه و ضبط سایر کلاک‌هاست.

تابستان ۱۴۰۰ به عنوان زمان قطعی نمایش این انیمیشن برای مخاطبان کودک و نوجوان شبکه در نظر گرفته شده است.

ا زهره کهندل ا‌سی‌ونهمین دوره جشنواره

فیلم فجر، متفاوت‌ترین دوره از این جشنواره بود نه فقط به دلیل برگزاری در شرایط کرونا، که برای نوع برخورد دبیرخانه این جشنواره با سینمای مستند. در این دوره از جشنواره فیلم فجر بر خلاف رویه هر ساله، هیچ هیئت انتخابی برای فیلم‌های مستند تشکیل نشد تا متقاضیان بتوانند با ارائه آثار خود به بخش مسابقه ملی راه یابند. دبیر این دوره، معیار انتخاب مستند‌ها را جشنواره دیگری قرار داد و برگزیدگان جشنواره حقیقت را راه یافته به بخش مسابقه جشنواره فجر اعلام کرد. این اتفاق و برخورد ناشایست با فیلم‌های مستند و مستندسازان، صدای اعتراض این صنف را بلند کرد. در بیانیه انجمن صنفی کارگردانان مستند که به تازگی منتشر شده، آمده است؛ مطابق با آیین‌نامه می‌بایست هیئت انتخابی جداگانه آثار را برمی‌گزید. انتخاب اثری محترم و ارزشمند از بخش ویژه جشنواره حقیقت، دیگر نکته بدعت در برگزاری این دوره بود. نکته بعدی، دعوت نکردن و صادر نشدن کارت حضور در جشنواره برای مستندسازان و حتی برای صاحبان آثار حاضر در جشنواره بود که قابل تأمل است. چرا سینماگران مستند نباید در جشنواره سی‌ونهم فجر حضور می‌داشتند؟! و شگفت‌آورتر اینکه هیچ فیلم مستندی به نمایش درنیامد! دریغ کردن حتی یک سالن نمایش برای آثار مستند، نمی‌تواند دلیل قانع‌کننده‌ای مانند پرهیز از اجتماع و گردهمایی داشته باشد و یا دلیل نمایش برخط این آثار در جشنواره حقیقت؛ در حالی که برای فیلم‌های سینمای داستانی، در اقدامی تحسین‌برانگیز گاهی ده‌ها ارکان گذاشته شد.

در ادامه این بیانیه اعتراضی آمده است: حتی برای اهالی رسانه، خبرنگاران و منتقدان نیز نمایشی گذاشته نشد تا دست‌کم بخش نقد و پرسش و پاسخ برای آثار مستند فعال بماند. این بی‌توجهی، رفتاری قهرآمیز و عتاب‌آلوده را در سینمای مستند، از سوی دبیرخانه جشنواره فیلم فجر تداعی می‌کند. بر همین اساس از معاونت سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مؤکدا درخواست داریم نسبت به این شیوه، به صراحت واکنش و پاسخی شایسته داشته باشد. ضمن آنکه می‌دانیم تنها راه پیشگیری از تخطی و بی‌رعایتی، تدوین آیین‌نامه‌ای شفاف و منصفانه بر مبنای شأن و جایگاه سینمای شریف مستند ایران است. آیین‌نامه‌ای دقیق برای فیلم مستند در جشنواره فیلم فجر، تا هیچ کس در هیچ مقامی نتواند به میل و سلیقه خود آن را اجرا کند و یا

تغییر دهد. خواست روشن و ح‌ق‌طلبانه مستندسازان، مشارکت در تدوین این آیین‌نامه است تا حقوق این بخش از سینمای ایران در هیچ شرایط و موقعیتی متأثر از اعمال سلیقه‌ها و تصمیم‌گیری‌های شخصی نشود.

مرز میان فیلم‌های داستانی و مستند کم شده است

کوروش عطائی که سال گذشته با مستند «در جستجوی فریده» نماینده ایران در اسکار ۲۰۲۰ بود، در این باره به خبرنگار ما می‌گوید: اصولاً جشنواره فیلم فجر درباره فیلم‌های مستند همواره سیاست نامشخصی را پیشه کرده است، گویی در شرایط رودربایستی با مستندسازان، آثار را نمایش می‌دهد.

این مستندساز توضیح می‌دهد: مثلاً یک سال برای فیلم‌های مستند بخش جدا در نظر می‌گیرند، سال دیگر دو فیلم انتخاب می‌کنند، یک سال دیگر به فیلم‌ها یک ستانس نمایش در یک سینما می‌دهند و یک سال ارکان فیلم‌ها را در چند سینما توزیع می‌کنند. هیچ وقت جشنواره فیلم فجر به سیاست مشخصی برای برخورد با فیلم‌های مستند نرسیده و شاید به خاطر جور بودن جنس و رودربایستی با مستندسازان این بخش را نگه داشته است.

او ادامه می‌دهد: به نظرم از اعتبار جایزه فجر برای فیلم‌های مستند کاسته شده و

برخورد ناشایست در سی‌و نهمین جشنواره صدای مستندسازان را درآورد

یتیمی «مستند» در فیلم فجر



شکل فرمایشی به خودش گرفته است، ضمن اینکه برای مستندسازان هم اهمیتی ندارد چون وقتی به یک میهمان می‌روید که با شما مثل دیگر میهمانان برخورد نمی‌شود، طبیعتاً ناراحت می‌شوید و ممکن است دفعه دیگر نروید. عضو انجمن صنفی تهیه‌کنندگان مستند با بیان اینکه هر سال با تغییر دبیر و گروه سیاست‌گذاری، تصمیم جدیدی گرفته می‌شود و آیین‌نامه و قانون مشخصی برای سینمای مستند در جشنواره فیلم فجر وجود ندارد، می‌گوید: هیچ جشنواره فیلمی در دنیا این طور نیست که هر سال به یک شکلی با فیلم‌های مستند برخورد کند. نام این برخورد، باتلاکیفی است و نیازمند قانون‌گذاری مشخص است آیا می‌خواهیم فیلم‌های مستند در جشنواره فیلم فجر حضور رقابتی داشته باشند؛ در کدام بخش و به چه شکلی؟ بهتر است سیاست‌گذاران جشنواره، تکلیف این موضوع را مشخص کنند تا بدانیم که نگاه جشنواره فیلم فجر به آثار مستند چگونه است.

عطائی دلیل اصلی این بی‌احترامی و برخورد نادرست با فیلم‌های مستند را نداشتن سیاست مشخص دانسته و خاطرنشان می‌کند: یک سال گفتند دو فیلم مستند را به بخش اصلی می‌بریم تا با فیلم‌های داستانی رقابت کنند ولی داورها گفتند ما مستند‌ها را اصلاً ندیدیم. همیشه برخورد زنده‌ای با مستند در جشنواره فیلم فجر شده است در حالی که این جزو حقوق اولیه شرکت‌کنندگان است که بدانند آیین‌نامه چیست؟ اگر هم قرار نیست که آیین‌نامه مشخص داشته باشند بگویند که جشنواره فیلم

فجر، جای آثار داستانی است، آن وقت تکلیف مشخص است ولی به دلیل نگرانی از اعتراض مستندسازان این حرف را نمی‌زنند.

وی با تأکید بر اینکه مرزبندی بین سینمای داستانی و مستند در جشنواره‌های معتبر دنیا کمتر شده است، یادآور می‌شود: در جشنواره‌های همچون برلین، ونیز یا لوکارنو، این تفکیک را نمی‌بینید یک بخش مسابقه اصلی برای همه فیلم‌ها وجود دارد که فیلم‌های مستند با فیلم‌های داستانی رقابت می‌کنند. جشنواره‌های بزرگ جهانی دارند به سمت برداشتن این مرزها می‌روند ولی ما داریم عکس آن عمل می‌کنیم و مستند و داستانی را در دو بخش مجزا قرار می‌دهیم.

بدون تعارف بخش مستند را حذف کنند!

فرزاد خوشدست، کارگردان مستند تحسین شده «خط باریک قرمز» با بیان اینکه امسال نام دو کارگردانی که سابقه مستندسازی داشتند در میان هیئت داوران این دوره از جشنواره فیلم فجر وجود داشت اما برخورد ناشایستی با بخش مستند شد به خبرنگار ما می‌گوید: واقعیت این است که اساساً مستند در جشنواره ملی فیلم فجر هیچ وقت جدی گرفته نشده و امسال هم جدی گرفته نشد. این منوال مربوط به امسال و پارسال نبوده بلکه از ابتدا چنین وضعیتی وجود داشته است.

او پیشنهاد می‌دهد که بهتر است بخش مستند را از جشنواره ملی فیلم فجر حذف کنند، چون شائبه مستندسازان بیشتر حفظ می‌شود و ضرورتی ندارد که جشنواره ملی فیلم فجر بخش مستند داشته باشد.

وی یادآور می‌شود: این در حالی است که در جشنواره جهانی فیلم فجر به مستند، بهای بیشتری داده می‌شود و بیشتر از یک مستند در این جشنواره جایزه گرفته‌اند چون استانداردهای این جشنواره مطابق با جشنواره‌های معتبر جهانی است مثلاً در بخش «جلوه‌گاه شرق» فیلمسازان مختلفی از جهان در آن شرکت می‌کنند که این بخش در جشنواره‌های دیگری همچون جشنواره‌های پوسان و شانگهای هم وجود دارد. در این جشنواره‌ها برای هیئت انتخاب فرقی نمی‌کند که فیلم مستند است، داستانی است یا انیمیشن، بلکه فیلم‌های خوب را برای رقابت با هم انتخاب می‌کنند.

خوشدست با بیان اینکه نحوه برخورد با فیلم‌های مستند در جشنواره ملی فجر کاملاً غلط و برای رفع تکلیف است، خاطرنشان می‌کند: با این شکل مواجه، فیلم‌های مستند نه مخاطب خوبی پیدا می‌کنند و نه برای کسی که جایزه گرفته، اتفاق خاصی می‌افتد.

این مستندساز می‌گوید: امسال شکل انتخاب مستند در جشنواره فجر، فاجعه‌بار بود. گفتند تعدادی از فیلم‌های بخش بلند جشنواره حقیقت در این جشنواره هم حضور دارند اما بدون آوری شفاف و مشخص، همان انتخابی که در جشنواره حقیقت انجام‌شد در جشنواره فجر رخ داد. او با بیان اینکه در جشنواره ملی فیلم فجر نمی‌دانند که با مستند چطور باید برخورد کنند، اضافه می‌کند: مشکل دیگر در جشنواره فجر این است که بخش مستند و فیلم کوتاه را با هم می‌بینند در حالی که فیلم‌های بلند و فیلم‌های کوتاه از نظر ساختار و مضمون کاملاً با هم تفاوت دارند. چطور می‌توان یک فیلم کوتاه داستانی هفت دقیقه‌ای را با یک فیلم مستند ۱۲۰ دقیقه‌ای مستند در یک بخش مقایسه کرد؟

او با تأکید بر اینکه حذف کردن بخش مستند از جشنواره ملی فیلم فجر به نفع مستند است، تأکید می‌کند: چرا رودربایستی می‌کنند و به مستند آسیب می‌زنند؟ در حالی که جشنواره جهانی فیلم فجر، نگاه درست‌تر و دقیق‌تری به فیلم‌های مستند دارد. اگرچه در مواجهه با این جشنواره هم برخورد سلیقه‌ای شد و شاهد برگزاری جشنواره جهانی در بهار امسال نبودیم ولی در زمستان امسال، جشنواره ملی فیلم فجر برگزار شد.

رونمایی از اسناد املاک رضاخانی در شبکه مستند

ثبت با سند برابر نیست!



شاگرد خلف این پیر سیاست است و با الگو گرفتن از او شروع به جمع‌آوری املاک می‌کند تا اینکه به بزرگ‌ترین زمین‌خوار کشور در دوره خود تبدیل می‌شود.

تهیه‌کننده مجموعه مستند ثبت با سند برابر نیست افزود: در قسمت‌های بعدی به موضوعاتی مانند تغییر شکل ظاهری جامعه از جمله لباس و کلاه تا معماری شهرها و… می‌پردازیم. رضا پهلوی در این دوره بسیار تلاش می‌کند تا شکل ظاهری جامعه را به گونه‌ای تغییر دهد که همه بگویند این شکل متأثر از اوست و ایران جدید را بنا نهاده است.

تصاویر آرشویی، نریشن و مصاحبه

وی در خصوص ضرورت ساخت چنین مجموعه‌ای گفت: امروزه، عده‌ای از طرفداران رضاخان می‌گویند که او مستبد بود اما مستبد مفید بود و جامعه آن دوران نیاز به چنین فرد مستبدی داشت تا کشور پیشرفت کند و ایران به سوی تجدد گام بردارد. در این مجموعه نشان می‌دهیم که استبداد به هیچ وجه سودمند نیست و استبداد، استبداد است. در حقیقت مستبد مفید بی‌معنی است. کاظمی درباره محتوای تصویری این مستند توضیح داد: در این مجموعه بازسازی نداریم و تصاویر آرشویی به همراه نریشن و مصاحبه با پژوهشگران تاریخ را داریم. علاوه بر این، سراز نوادگان کسانی رقیمه که در دوران ظلم‌خواهی توانسته بودند املاک خود را پس بگیرند. باید بدانید که در دوران پهلوی دوم، عده‌ای از رضاخان شکایت کردند و گفتند که او زمین‌های ما را به زور گرفته است. دادگستری وقت بخش کوچکی از این زمین‌ها را به آنان برگرداند، بنا به تصویب قانون املاک واگذاری در مجلس شورای ملی قرار بر این بود تا املاک به صاحبان اصلی آن بازگردد اما بخش بزرگی در تملک بنیاد پهلوی باقی ماند. با نوادگان این افراد نیز گفت‌وگوهایی داشتیم.

مجموعه «ثبت با سند برابر نیست» در هشت قسمت ۵۰ دقیقه‌ای از ۲ تا ۱۰ اسفند هر شب (به جز جمعه) ساعت ۱۹ از شبکه مستند پخش خواهد شد و بازپخش آن ساعت ۲۴ و روز بعد ساعت ۱۲:۳۰ خواهد بود.



شده است.

این مستندساز با اشاره به پیوند پیچیده املاک‌رضاخانی کاظمی گفت: با توجه به همین سوزه و ابعاد مختلف آن توجهی که در این اسناد وجود دارد این است که وقتی از سند ثبتی حرف می‌زنیم، منظورمان سند آپارتمان نیست بلکه سند شهر و قریه (روستا) است. برای مثال نوشته شده است که قریه «عالیه کلا» یا «ولیکدان» متعلق به رضا پهلوی است یا سند کل منطقه یوسف‌آباد تهران یا کل شهر قائمشهر که نامش را شاهی گذاشته بود به نام رضا پهلوی خورده است و…

داستان بزرگ‌ترین زمین خوار در دوره پهلوی

وی افزود: موضوع قابل توجه، ارتباط بین این اسناد با برخی از اتفاق‌های مهم کشور است. برای مثال، در زمان ساخت راه‌آهن در کشور می‌بینیم که تمام املاک و زمین‌های مرغوبی که در محدوده ریل قطار بوده، به نام رضاشاه شده است. مثلاً خرده مالکان این مناطق را تحت فشار قرار می‌دادند تا زمین‌ها را با قیمت ناچیز تقدیم رضا پهلوی کنند. این ماجرا مربوط به پیش از کودتا و یا شاه شدن رضاخان است. این رویه سال‌ها ادامه داشت. تقریباً کل مازندران، گیلان، گرگان، شمال